

خاطراتی از رضاشاه پهلوی

به نقل از مطبوعات، رجال سیاسی و کتب تاریخی

تهیه کننده: ب. بوستانی

احضار وزیر

هنگامیکه آقای منصور وزیر پیشه و هنر بود راجع به یکی از کارخانجات اختصاصی عریضه ای به پیشگاه ملوکانه عرض کرده بود و روی پاکت بالای عریضه با خط قرمز نوشته شده بود (فوری). نامه های مربوط بکارخانجات اختصاصی را خود شاه باز میکرد. وقتی اعلیحضرت چشمش بیپاکت فوری افتاد متغیرانه به پاکت نگاه کرد. بدون اینکه پاکت را باز کند به رئیس حسابداری گفت:

- تلفن کنید وزیر پیشه و هنر بیاید. شاه متغیر بود و رئیس حسابداری نمی دانست چه شده. اشخاصیکه زمان شاه متوفی را درک کرده و از نزدیکان بوده اند میدانند من چه میگویم. در آن زمان دو چیز از هر چیز وحشت انگیز و هولناک تر بود. یکی از آن دو چیز این بود که به کسی بگویند شما را از شهربانی خواسته بودند و دیگری احضار از دربار بود. احضار از شهربانی



تاثیر دیگری داشت. حالت وزرا در حالیکه از دربار احضار میشدند رقت آور و در عین حال تماشائی بود. آقای وزیر با فلان شخصیت و روحیه اش بکلی تغییر میکرد. در هر جا و در هر حالی بود باید فوراً خودش را بدربار برساند. تا وقتی بدربار میرسید مرده متحرکی بود مثل موش آب کشیده وارد دربار میشد. هر يك از رجال و وزرا با یکی از اعضا و پیشخدمتهای دربار صمیمی و نزدیک بودند. بنابراین وقتی آقای وزیر وارد دربار میشد به

هر وسیله بود اول خودش را به آنشخص برساند. اگر از دور اشاره میشد که چیزی نیست آن وقت نفس راحت میکشید. وای به وقتی که وزیری قبل از شرفیابی پیشخدمت محرم خودش را نمیتوانست ببیند.

در آن روز وزیر پیشه و هنر هرچه اینطرف و آنطرف را نگاه کرد رفیق خودش را ندید و ناچار به اطاق انتظار رفت تا احضار شود.

وقتی اعلیحضرت همایونی چشمش به آقای منصور افتاد متغیرانه فرمود: - این پاکت چیست؟

وزیر عرض کرد راجع به کارخانه چالوس و در خصوص انجم فرمایش ملوکانه است.

اعلیحضرت متعجبانه پرسید: - این کلمه را میگویم. این فوری. این فوری یعنی چه؟

آقای وزیر وقتی فهمید احضارش برای کار مهمی نبوده و برای توضیح درباره کلمه فوری است نفس راحتی کشید و عرض کرد: مسائلی که فوری بنظر میرسد و باید فوراً در دست اقدام گذاشته شود در وزارت خانه ها روی نامه و پاکت کلمه فوری را قید مینمایند تا مامورین این قبیل نامه ها را بحریان بیاندازند.

بقیه در صفحه 21

* غرب نباید کاری کند که پشیمان شود.

(شاهنشاه در مصاحبه با روزنامه دیلی تلگراف - ۲۰ بهمن ۱۳۵۲)

* وظیفه ای جز خدمت به ملت نمی شناسیم . .

(از سخنان شاهنشاه - نوروز ۱۳۵۵)

* نمی توانند ما را مجبور کنند ثروت نفتی خود را ارزانتر بفروشیم

(از سخنان شاهنشاه - ۲۶ دی ۱۳۵۴)

* تا پایان برنامه ششم به تمدن بزرگ میرسیم

(از سخنان شاهنشاه - تیر ۱۳۵۵)

* ایران و ملت ایران دائمی است و نباید منابع و ثروت ملی فقط خرج رفاه

نسل امروز شود. (از سخنان شاهنشاه - ۲۶ مرداد ۱۳۵۵)

* بدون وقفه در جهت برقراری صلح و آرامش فعالیت کرده ایم.

* آنچه ما انجام میدهیم در اصل سرمایه گذاری برای صلح است.

* همزیستی یعنی شما در باغ خود ایستاده اید و من در باغ خودم.

شاه در مصاحبه با سردبیر نشریه بلیتز - ۲۸ تیر ۱۳۵۵



سخن شاه

گزارشهای رسیده از ایران خبر از درگیری های پیاپی مبارزین ملی گرای داخل کشور با مزدوران رژیم دارد.

یک گروه سوری بنام نقابداران که بر باور نظام شاهنشاهی هستند، ۳ لبنانی را، کشته برای سرکوب و کشتار هم میهنان ما به ایران آمده بودند، در شهر اصفهان ربودند.

نقابداران دلاور اعلام کردند که نه تنها این ۳ تروریست، بلکه تمامی تروریستهایی که از لبنان و فلسطین به میهن اهورایی مان آمده اند را، اعدام خواهند کرد.

نقابداران، هفتم آبان ماه طی یک عملیات شجاعانه در شیراز سرتیپ پاسدار ذوالفقاری و دو تن همراه او را نیز به هلاکت رساندند.

خبرگزاریها گزارش داده اند که صدها فلسطینی جوان در پایگاههای تروریستی جمهوری اسلامی آموزش می بینند. شب عید تازیان

در مرکز آموزش بسیج بعب پر قدرتی در کنار آسایشگاه فلسطینی ها منفجر شد که تلفات و ضایعات زیادی بجا گذاشت، روز عید فطر

نقابداران دلاور با صدور اعلامیه زیر بنام "ما فطریه خود را به فلسطینی های مهمان ولی سفیه

پرداختیم" مسئولیت بعب گذاری را بعهده گرفتند. همچنین روز پنجشنبه شب

۱۲ آبان ماه خودرو گشتی سپاه پاسداران در جاده تهران به سواوه توسط نقابداران مسلح و از جان گذشته محاصره شد و در



اخبار مندرج با همیاری:

سازمان رستاخیز ایران - (نگهبانان شاهنشاهی ایران زمین)
www.r-iran.go.to

سه پاسدار بنامهای زیرین باتهام کفر و الحاد، اهانت بولایت فقیه و تبلیغات ضاله در میدان تیرچیتگر اعدام شدند:

پاسدار یعقوب رحمت زاده ۲۲ ساله اهل اردبیل

پاسدار حسنعلی نجفی ۲۵ ساله اهل شاه آباد غرب و پاسدار رحیم حسن پور ۳۰ ساله اهل آبادان.

ناظر عینی گفته است قربانیان از استغفار و ابراز ندامت و ادای شهادت ثلاثه و نوشتن وصیت نامه خوداری کرده و با فریاد پاینده ایران و جاوید شاه از مرگ استقبال کرده اند.

استاد اقتصادی از دانشگاههای آخوندی بمناسبت بیست و سومین سال فاجعه ایران ادعا میکرد:

"شاه روزانه ۶ میلیون بشکه نفت تولد میکند که با این روش قصد نابودی منابع نفتی را داشت و ما بعد از انقلاب روزانه تا ۲ میلیون بشکه تولید کردیم و در این مدت میلیاردها بشکه صرفه جوئی داشته ایم."

این استاد یا بقولی آبدارچی دانشگاه به چند موضوع پیش پا افتاده توجه نکرده بود:

۱- شاه در عین حالی که آن تعداد نفت با قیمت برتاب بیشتر از قیمت امروز بازار تولید مینمود هم به منابع ارزی کشور میافزود و هم از همان بیست و چند سال

پیش در فکر انرژی جایگزینی (انرژی اتمی) بود که پروژه آن بخاطر بی لیاقتی آخوندها هنوز تمام

بقیه در صفحه 21

صالح طاهری خرم آبادی امام جمعه موقت تهران و سید جمال موسوی، فرزند آخوند سید محمد موسوی، از عشرتکده ای در تهران خیابان جردن نیش خیابان پهلوان توسط نقابداران دلاور ربوده و به گروگان گرفته شدند. نقابداران با انتشار اعلامیه ای در شهرهای تهران و خرم آباد مسئولیت این عملیات را پذیرفتند.

جمهوری اسلامی بر این اندیشه خام بود که مزدوران امنیتی رژیم در دو ماه گذشته نقابداران را به دام انداخته و از بین برده است.

بگزارش خبررسانی شهریارنامه در تهران ساعت ۲۲ پنجشنبه ۲۷ بهمن جاری آخوند علینقی حجت معروف به شیخ لسان مامور مخصوص ملا علی خامنه ای که برای انجام ماموریت محرمانه ای به همدان اعزام شده بود، در

باغ دائی قاسم واقع در عباس آباد (خانه امن سپاه پاسداران) غافلگیر و بوسیله پیکان سیانور بقتل رسید و سپس حلق آویز شد و سه نفر نگهبانان خانه امن نیز در همین عملیات کشته

و وسایل ارتباطی و ترابری آنها هم یغنیمت نقابداران دلاور درآمده است.

همین منبع گزارش میدهد در شامگاه بیستم بهمن ماه

پی پرتاب نارنجک از سوی آنان، ۳ تن سر نشین مزدور جمهوری اسلامی به هلاکت رسیدند و خودرو آنها منفجر شد.

بعلاوه، گزارش رسیده از تهران حاکیست که بامداد روز سه شنبه ۸ آذر ماه جاری در محمودیه شمیران یک درگیری مسلحانه رخ داده و پنج نفر کشته بجا گذاشته است.

روز چهارشنبه ۹ آذر نقابداران دلاور، اعلام داشته اند، بمنظور رهایی یک بانو جوان که بوسیله بسیجی های مزدور جلب شده بود، با افراد گشت نهی از

منکرات درگیر و پنج نفر از افراد گشتی را بقتل رسانیده و بانوی دستگیر شده را آزاد و بخانواده اش تحویل داده اند و خود سلامت به

پایگاه مربوط برگشته اند. گویا نقابداران دلاور قصد انجام عملیاتی را داشتند که ناگهان این درگیری پیش آمد.

ادامه این اخبار حاکی است که در یک یورش غافلگیرانه نقابداران دلاور روز شنبه ۱۷ دی ماه در نزدیکی

کرج، سرتیپ پاسدار امیر فلاح از بلند پایگان اطلاعات سپاه پاسداران و چند محافظ و همراه او به هلاکت رسیدند.

ماه گذشته در عملیاتی دیگر سید احمد طاهری خرم آبادی، فرزند آخوند سید

نشده.

۲- از همان ایام آغاز انقلاب ملاحا روزانه هزاران هزار بشکه نفت مجانی را بعنوان مال الخلیفه به دولت مفتخور سوریه بخشیده اند که بدین طریق تابحال میلیاردها دلار پول ملت را به باد هوا داده اند.

۳- طی دوران جنگ ۸ ساله، ملاحا دهها چاه نفتی کشور را بخاطر عدم حس مسئولیت به آتش کشیده و بدین ترتیب میلیاردها بشکه نفت و پول ملت بی صاحب را به نابودی کشاندند.

از این نمونه ها همچنان بسیار است و اگر این استاد نادان (که حتی کلاس اول اکابر را هم تمام نکرده) بخخواهد، میتواند با رجوع به تاریخ آنها را مرور نماید.

*

دو هفته قبل تاج زاده یعنی معاون سیاسی وزارت کشور و فرماندار تهران به تئاتر همگانی دادگاههای اسلامی کشیده شد. راوی حکایت میکرد هر چند که کم کم پای دانه به دانه شریکان این قافله به دادگاههای نمایشی رژیم کشیده خواهد شد، ولی گویا مصادف بودن دادگاه تاج زاده با سالگرد انقلاب اسلامی بی دلیل نبوده و این بنده خدا چوب نام فامیل خود که ارتباط با سلطنت و پادشاهی دارد را میخورد!

*

عطف به همین دادگاه تاج زاده، در برنامه توجیح مسئله علنی نبودن جلسات دادرسی، معاون دادگستری استان تهران حرفی را بیان کرد که مطمئنا در يك حکومت قانونی و سالم این بابا را به فلك میبستند. این مقام رژیم در حمله به نشریاتی که به بسته بودن جلسات شکایت کرده بودند گفت: " نشریات مجاز به کسب خبر هستند نه انتشار آن."

ما به این جناب پیشنهاد میکنیم کمی به ریشه کلمه "نشریات" توجه کرده و ببینند که کلمات نشر و انتشار و نشریات همه و همه از يك خانواده اند.

*



ماه گذشته تیمسار ارتشبد شفقت در دیار غربت دار فانی را وداع گفت. ارتشبد شفقت از امیران خوشنام و وطن پرست ایران بود که آخرین سمت وزارت جنگ دولت شاهنشاهی در ایام نخست وزیری بختیار را بعهده داشت. گارد جاویدان شاهنشاهی که از نخبه ترین و وفادارترین واحدهای ارتش شاهنشاهی ایران بحساب میرفت، به همت او طی سالهای ۳۰ سازماندهی گردید. او همچنین تنها امیر ارشد ارتش شاهنشاهی بود که با حضور در جلسه فرماندهان در تاریخ ۲۲ بهمن، اعلامیه بی طرفی ارتش را امضا نمود. روانش شاد باد.

*

ماه گذشته، پخش برنامه ۲۰ دقیقه ای پیام اعلیحضرت رضاشاه دوم بر روی برنامه تلویزیونی سایت لایت برای ایرانیان مقیم کشور، سر و صدای زیادی در بین محافل خبری پیا نمود. ناظرانی که بخش این برنامه با تظاهرات اخیر جوانان میهن پرست را مرتبط به هم میدانند، بر این عقیده اند که موج طرفداری از نظام شاهنشاهی در بین ملت ایران بار دیگر افزایش یافته و این امر خطر جدی ای برای سردمداران رژیم اسلامی بحساب میآید. لازم بیادآور است که بقول خبرگزاریهای سوسی ان ان، اسیوشندپرس، واشنگتن تایمز، لوس آنجلس تایمز و ای اف پی، در تظاهرات ۲۱ بهمن امسال مردم شعارهای طرفداری از رضاشاه دوم را سر میدادند.

بقیه خاطرات رضاشاه

آقای منصور که خیال میکرد اعلیحضرت همایونی بعد از این توضیح قانع کننده دیگر اعتراضی ندارند خیلی متعجب شد وقتی دید برخلاف انتظارش شاه بیشت متغیر شده و پاکت را از روی میز برداشته بطرف آقای منصور انداخته و فرمودند این حقه بازیها را بگذارید کنار. مگر در مملکت من کار غیر فوری هم وجود دارد؟ تمام کارهای مملکت من فوری است و باید به اسرع وقت انجام شود.

اعلیحضرت همایونی ساکت ماندند. آقای منصور هم بودن اینکه عرضی بنمایید ساکت ایستادند. منتظر اوامر ملوکانه بودند. چند لحظه گذشت - اعلیحضرت همایونی بدون اینکه سرشانرا بلند کنند و در حالیکه مشغول مطالعه نامه ای بودند فرمودند: برای چه ایستاده ای/ برو سر کارت.

آی منصور در حال تعظیم - عقب محق رفت تا نزدیک در خروج. وقتی میخواست خارج شود اعلیحضرت همایونی سرشانرا بلند کرده فرمودند: فهمیدی؟ تمام کارهای مملکت من فوری است. بروید سر کارتان و بعدا این حقه بازی ها را بگذارید کنار.

نگاه کوتاه:



"من دولت تعیین میکنم. من تو دهن این دولت میزنم"

(خمینی در نمایش بهشت زهرا - بهمن ۱۳۵۷)

و افسوس که کسی نبود تا ببیند خمینی به تمام حرفهای گفته خود عمل کرد. او دولت بازرگان را تعیین کرد و هم او تو دهن این دولت و نخست وزیر آن زد.